

شوره زار کار آفرینی

تضعیف بخش خصوصی

گفت و گو با مهندس بابک محمدی - مدیر عامل شرکت پل و دژ



مهندس محمدی متولد سال ۱۳۳۳ در خوزستان می باشد و مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته برنامه ریزی شهری از دانشگاه تهران اخذ نموده است. وی طی سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ در جهاد سازندگی به فعالیت می پرداخته و پیش از مدیریت شرکت پل و دژ، مدیر عامل شرکت مهستان بوده است.

در طی این سالها علاوه بر اجرای چندین پروژه داخلی و خارجی در شرکت پل و دژ، موفق به دریافت جایزه اول جشنواره مهندسی ساختمان ایران در سال ۱۳۷۵ می شود و دریافت جایزه دیگری برای ساخت و ابداع کانال های پیش ساخته بتونی به منظور انتقال آب و شبکه های آبیاری از دیگر موفقیت های وی محسوب می شود. با مهندس محمدی پیرامون کار آفرینی و مسائلی از این قبیل گفت و گویی انجام دادیم که از نظر تان می گذرد:

بعنوان یک کار آفرین، وضعیت کار آفرینی و اقتصاد کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

واقعیت این است که اقتصاد کشور، کوچک و در اختیار کامل دولت می باشد. این واقعیت برای شرکت پل و دژ که ۲۵ سال سابقه انجام فعالیت های پیمانکاری در ایران و کشورهایی مانند قزاقستان، قرقیزستان و امارات متحده عربی را در پرونده کاری خود ثبت کرده، مشهودتر است.

یکی از جریاناتی که به منظور پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور باید در نظر گرفته شود، خصوصی سازی است. متأسفانه در حال حاضر خصوصی سازی، روند واقعی و مناسبی جهت انتقال مدیریت صنایع به بخش خصوصی را طی نمی کند زیرا در حال حاضر دولت دلیل بدهکاری به بانکها، سهام شرکت های دولتی را در بورس عرضه می نماید اما این سهام از سوی ارگان دولتی دیگری مانند بانکها یا سایر سازمان های دولتی خریداری می شود که این امر با اصل هدف خصوصی سازی و ورود بخش خصوصی به چرخه اقتصادی ایران منافات دارد.

نکته دیگر این که در ایران کارآفرینان برجسته متعددی وجود دارند که هر کدام در رشته خود از موفق ترین ها محسوب می شوند اما متأسفانه دلیل مشکلات فراوان سرمایه های خود را که قادر است چرخ های اقتصادی کشور را به حرکت درآورد به کشورهای دیگر که سرمایه گذاری در آن امنیت بیشتری دارند، منتقل می کنند به همین دلیل اکثر

کارخانجات تولیدی کشور با بحران مواجه هستند بطوری که از بسیاری فقط نام و عنوان باقی مانده است

جهت رفع مشکلات و موانعی که اشاره کردید چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی ۵ راه وجود دارد که بر اساس شرایط می توان یکی از آنها را برگزید و به کار برد تا نتیجه دلخواه بدست آید:

۱- روش توسعه سبز: این روش به نام انقلاب سبز نیز نامیده می شود. در این روش تمام پتانسیل های کشور در خدمت کشاورزی (برای یک دوره ۵ ساله) قرار می گیرد. بدین ترتیب تمام ماشین سازان کشور باید به تولید کمباین، تراکتور و ماشین آلات کشاورزی بپردازند و تمام طرح ها و تعرفه های گمرکی باید به نحوی تنظیم شوند که در خدمت کشاورزی قرار گیرند. طرح خودکفایی گندم که پس از ۲۵ سال ما را از واردات گندم بی نیاز نمود در همین راستا شکل گرفت.

۲- روش توسعه صنعتی: در این روش تمام طرح های اقتصادی (در یک دوره ۵ ساله) در خدمت صنعت قرار می گیرد. جهت دستیابی به توسعه صنعتی و صادرات محصولات در این روش تمام تعرفه های گمرکی، وام های بانکی، یارانه ها و ... به تولید کنندگان صنایع تعلق می گیرد.

۳- روش اقتصاد و بازار آزاد: این روش از سوی سازمان تجارت جهانی مطرح شده است و بر اساس

به نظرم زمان مناسبی است که تغییرات اساسی در ساختار دولت و دیوان سالاری کشور به همین مناسبت که اشاره کردید، ایجاد شود.

ممکن است تغییر نظام دیوان سالاری که بخش اعظم آن آلوده به رانت می باشد، موجب ایجاد رکود موقت بسیاری از جریان های اقتصادی و تولیدی کشور شود زیرا خصوصی سازی همواره با ممانعت افرادی که در این نظام دیوان سالاری از سودهای کلانی بهره مند می شوند، مواجه است. امیدوارم به دور از هرگونه گرایش های سیاسی، گروه ها، نهادها و جریانها در زمینه رفع موانع موجود بر سر جریان خصوصی سازی مفید واقع شوند و با ایجاد احزاب سیاسی با پایگاه های طبقاتی مشخص بتوانیم هر چه بیشتر به ایده آل های سازمان تجارت جهانی نزدیکتر شویم.

ضمناً اصلاح قانون کار، حذف یارانه و صندوق های تامین اجتماعی، تشکیل بانکها و شرکتهای خصوصی از مواردی است که می تواند ما را به توسعه مطلوب رهنمون سازد.

ممکن است به تعداد پرسنل شرکت و جایگاه نیروی انسانی در آن اشاره نمایید؟

در دفتر مرکزی حدود ۴۲ نفر نیروی ثابت فعال هستد اما دلیل اینکه در قراردادهای پروژه های مختلف نیاز شرکت به نیروی انسانی متفاوت است حدود یک هزار و ۵۰۰ تا ۵ هزار نفر افرادی هستند که در پروژه های مختلف با ما همکاری می کنند

در نظر من نیروی انسانی سرمایه بسیار ارزشمندی است زیرا مواد اولیه و ماشین آلات قابل خرید هستند اما نیروی انسانی مجرب قابل خرید نیست. بزرگترین سرمایه هر شرکت نیروی انسانی مجرب است زیرا از طریق آموزش نیروی تخصصی و برنامه ریزی پرورش می یابند و هیچ چیز نمی تواند جایگزین چنین سرمایه های ارزشمندی در شرکت شود.

جهت تربیت نیروی انسانی چه اقداماتی انجام شده است؟ آیا در این راستا با دانشگاه ها ارتباط برقرار کرده اید؟

آموزش نیروی انسانی در نهایت باید در تشکیلات ما صورت گیرد زیرا آموزشهایی که از طریق دانشگاه ها ارائه می شود لازم است اما کافی نیست. زیرا نیروی انسانی باید از نزدیک با محیط و شرایط فعالیت، نرم افزارهای کامپیوتری و ... شرکت آشنا شوند. نحوه آموزش ما بدین صورت است که یک پروژه به فردی تحویل داده می شود و سپس او را در جریان کار مورد ارزیابی قرار می دهیم در همین زمان، برنامه آموزشی برای وی تنظیم می شود.

به پروژه های در دست شرکت پل و دژ اشاره نمایید

در ایران پروژه افزایش تواناژ کارخانه سیمان از ۳ هزار و ۵۶۰۰ تن به ۸ هزار تن، پروژه تونل کوهرنگ و سیمان گلستان در دست اقدام می باشد. در خارج کشور، پروژه های فاضلاب شهر راس الخیمه، در قزاقستان، پروژه تاسیس دانشگاه حقوق و علوم انسانی، یک هتل و برج از جمله فعالیت های ما می باشد.

استراتژی ۱۰ ساله شرکت بر این است که فعالیت های درون مرزی را چندان گسترش ندهیم زیرا در ایران وضعیت به گونه ای است که به شدت در رقابت با شرکتهای دولتی وابسته به سپاه و ... هستیم. اگرچه در پروژه های تخصصی رقیبان متعددی نداریم اما اکثر سرمایه گذارها را در پروژه های برون مرزی متمرکز می کنیم هرچند مشکل نیروی انسانی همیشگی است و بدنبال رفع سریع آن هستیم.

آن صادرات و واردت کالاها به صورت آزادانه صورت می گیرد. در عرصه پتروشیمی، محصولات کشاورزی و ... توانایی آن را داریم که وارد بازارهای جهانی شویم البته ممکن است که مکانیسم دقیق بازار از سوی دولت تهیه و تنظیم شود.

۴- روش توزیع مجدد: بر این اساس ثروتهایی که در جامعه وجود دارد بر اساس ابزارهایی به بطن جامعه و توده مردم منتقل می شود مانند روش ارائه کالا برگ، یارانه و ...

۵- روش اقتصاد برنامه ریزی شده: این روش در کشورهای سوسیالیستی وجود دارد که تمام امور در کنترل دولت می باشد. در واقع افراد کارمند دولت هستند و مطابق برنامه ها و دستورات آن، حرکت می کنند.

در کشور ما مشکل اینجاست که در اوایل انقلاب دلیل تنوع قدرتهایی که در مجموعه حکومتی وجود داشت هر ۵ روش به صورت هماهنگ انجام شد که این امر زمینه ساز رانت خواری را ایجاد نمود. اجرای دقیق و مناسب هر کدام از این روشها مسأله رضایت بخش خواهد بود، اما توجه داشته باشید که عدم رشد مناسب بخش خصوصی و اقتصادی عدم توجه به ایجاد کار آفرینی و جدی گرفته نشدن طرحهای آنان از سوی دولتمردان باعث بروز مشکلات عدیده ای در کشور شده است.

یکی دیگر از مشکلات موجود اقتصادی ایران که از زمان مشروطیت تا کنون وجود دارد نبود حزب بر اساس خاستگاه های طبقاتی است. به عقیده من انتخابات سوم تیر ماه سال ۱۳۸۴ که منجر به انتخاب دکتر احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور شد، نخستین انتخاباتی بود که بر مبنای پایگاه طبقاتی صورت نگرفت که این جهش سیاسی مسأله تحولاتی را در زمینه های اقتصادی به همراه خواهد آورد.

تنها راه خروج از بحران رشد و توسعه در ایران را ایجاد حزب برای اساس خاستگاه های اقتصادی می دانم. در حال حاضر حتی نمایندگان مجلس نیز از پایگاه طبقاتی و اقتصادی خاصی حمایت نمی کنند بلکه صرفاً وابسته به گروه های سیاسی بدون نظریه های راهبردی هستند، چنانچه در حال حاضر کسی حاضر به بیان این حقیقت نیست که قانون کار کشور یکی از موانع تولید می باشد.

متأسفانه در ایران، دیوان سالاری حاکم منجر به تقویت دولت و تضعیف بخش خصوصی و منجر به ایجاد شوره زاری برای کار آفرینان شده است.

مشکل دیگری که در عرصه تولید و کار آفرینی با آن مواجه هستیم، فقدان نیروی کار توانمند و بالفعل می باشد. متأسفانه مبحث آموزش نیروی انسانی و تربیت افراد کار آمد برای صنعت همیشه در کشور ما مسأله ساز بوده و هست.

در شرکت پل و دژ پس از انتشار آگهی استخدام یک دوره کلاسهای آموزشی برای نیروی کار برگزار می کنیم اما متأسفانه افراد یا به خارج از کشور مهاجرت می کنند و یا در محل دیگری به فعالیت می پردازند. بدین صورت باز هم ما می مانیم و کمبود نیروی انسانی توانمند، با این اوصاف چگونه می توان کار آفرینی را توسعه داد؟

در حال حاضر ایران بعنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شده است ورود به این سازمان الزامات و بایدهای متعددی دارد، فکر می کنید با وجود این الزامات مجبور به کوچکتر کردن حجم دولت نخواهیم شد؟ در این صورت بخش خصوصی توسعه بیشتری نخواهد یافت؟